

اثرات انیمیشن ها بر روی کودکان

محسن توده رنجبر^۱، فاطمه عراقی^۲

۱. کارشناس آسیب شناسی اجتماعی و دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

چکیده

تماشای انیمیشن یکی از اجزای لاینفک زندگی کودکان امروزی است. از یک قرن قبل که کارتون های انیمیشنی به وجود آمدند تا به حال چندین نسل از بچه ها با تماشای این کارتون ها بزرگ شده اند. تماشای سیندرلا، علاءالدین و غول چراغ جادو، گرفته تا سوپرمین، باتمن، مرد عنکبوتی، و انیمیشن های MARVEL تحت عنوان انتقام جویان، باعث شد خیلی از دخترها خودشان را در نقش شاهزاده خانم قرار دهند و بسیاری از پسرها در خیالاتشان ابر قهرمان شدند. تاثیر کارتون بر کودکان غیرقابل انکار است؛ چراکه کارتون ها بر نوع رفتار و رشد شناختی بچه ها هم تاثیر مثبت و هم تاثیر منفی بگذارد. خشونت های سرگرم کننده حاصل از تماشای این گونه انیمیشن ها، باعث افزایش تغییر نگرش ها و ارزش ها و نیز ایجاد رفتارهای تهاجمی روی کودکان شده است. به گونه ای که، با نگاه کردن به این انیمیشن های پرهیجان و تخیلی، احساسات کودکان به شدت برانگیخته می شود درحالی که انگیزش و تخیل بدون تفکر فاقد ارزش است و کودکان با نابودی دیگران به هیجان می آیند و این به معنی تخیل و تقویت آن نیست. پژوهش ها نشان داده، با هر بار، بازی کردن با بازی های ویدئویی، کودکان رفتارهای با خشونت بیشتر و عاطفه کمتر از خود نشان می دهد که همین امر مغز آن ها را به دادن پاسخ های مشابه در زندگی واقعی هدایت می کند و هرچقدر کودکان، سن کمتری داشته باشند، عملکرد و ساختار مغزشان می تواند راحت تر و دائمی تر تغییر کند. بطوری که این کودکان بی عاطفه تر و خشن تر از دیگر هم سن و سالان خود عمل می کنند. این شخصیت های الگوساز؛ به جای این که به فرزندان ما بیاموزند که با تلاش؛ مطالعه و یادگیری و استفاده از فرصت ها و تصمیم گیری های درست و مسئولیت پذیری؛ مهارت هایشان را افزایش بدهند تا نقشی در اعتلای بشریت داشته باشند؛ مفاهیم اخلاقی چون گذشت و ایثار؛ محبت و صمیمیت را از یاد برده و خشونت طلبی و انتقام جویی و قدرت طلبی و توهّمات واهی را از آنان الگو گرفته و خوش شانسی؛ به جای تلاش و سخت کوشی معیار قرار می گیرد و همواره منتظر اتفاقی هستند که آن ها را به آرزوهایشان برساند! مغز کودکان در حال شکل گیری است و این مهم است که ما کنترل و سانسور چیزی که آن ها تجربه می کنند را به دست بگیریم تا بهترین شرایط را برای پیشرفت آن ها فراهم کنیم.

واژگان کلیدی: انیمیشن، خشونت طلبی کودکان، تلویزیون

امروزه رسانه ها و تلویزیون عضوی جدایی ناپذیر در زندگی خانواده ها شده اند و تاثیرات شگرفی بر آموزش و تربیت و فرهنگ جوامع داشته و بیشترین تاثیر را بر روی کودکان دارند. اگرچه تماشای تلویزیون می تواند باعث افزایش مهارت های گفتگو، همکاری با کودکان دیگر، بازی تخیلی، فهم داستان ها و آگاهی و هم حسی از مشکلات انسان های دیگر شود. ولی تاثیرات منفی بی شماری را هم دارد که عموماً بواسطه برنامه و هدفی که تولیدکنندگان برنامه های آن به منظور تاثیرگذاری بر ذهن مخاطبان تهیه می کنند به دنبال دارد. این مزیت ها و مضرات به طور تصادفی اتفاق نمی افتد، اما می توان آن ها را مدیریت کرد و تاثیرات مثبت را پرورش داد و مضرات را به حداقل رساند. ما باید یاد بگیریم که چطور از تلویزیون استفاده کنیم تا بیشترین بهره را از آن ببریم و باید به کودکان خود نیز یاد بدهیم که این گونه عمل کنند(ویلبر و همکاران، ۱۳۷۷).

تاثیرات مثبت کارتون بر کودکان

تاثیرات کارتون بر کودکان بر رفتار و رشد شناختی از زوایای مختلفی قابل بررسی است. در ابتدا به تاثیرات مثبت کارتون بر کودک می پردازیم: (سخن سنج و همکاران، ۱۳۹۴)

۱. شروع زود هنگام یادگیری

تاثیر انیمیشن بر یادگیری کودکان مهمترین تاثیر مثبت است. در واقع کارتون ها می توانند باعث شوند کودک خیلی زود یادگیری را شروع کند. این مساله به خصوص در مورد کارتون های آموزشی که رنگ ها، شکل ها و شماره ها را یاد می دهند

صادق است. این کارتون ها به صورت خیلی ساده به بچه ها آموزش می دهند و یادگیری را برای آنها آسان می کنند. تصاویر متحرک، گویا و رنگی باعث جذاب شدن فرآیند یادگیری برای بچه ها می شود.

۲. رشد شناختی

تماشای کارتون مهارت های شناختی از جمله حافظه کوتاه مدت و بلند مدت، توجه پایدار و متمرکز، استدلال و تفکر منطقی را در فرزند شما پرورش می دهد.

۳. تقویت مهارت های زبانی

کارتون ها فرزند شما را در معرض زبان های متفاوتی قرار می دهند در نتیجه به او کمک می کنند مهارت های زبانی اش را تقویت کند. مثلاً اگر کودکان کارتون هایی به زبان مادری اش ببینند، زبان را بهتر یاد می گیرند.

۴. افزایش خلاقیت

کارتون ها باعث افزایش قوه تخیل و خلاقیت کودک می شوند. او می تواند با الهام از کارتون هایی که دیده، ایده های جدید در ذهنش بپروراند و داستان ها و کاردهی های خلاقانه ای بسازد.

۵. برون ریزی و رهایی از تنش و استرس

یکی دیگر از تاثیرات مثبت انیمیشن بر کودک تاثیر شخصیت های کارتونی بر کودکان است. تماشای کارتون برای بچه ها سرگرم کننده است و معمولاً باعث می شود با شخصیت های داستان همذات پنداری کنند و با صدای بلند بخندند. خندیدن

باعث تخلیه اضطراب، استرس و افزایش اعتماد به نفس کودک می شود. همچنین سیستم ایمنی بدن را تقویت می کند و موجب ترشح هورمون اندروفین و ایجاد حس مثبت در کودک می شود.

۶. آموزش فرهنگ و رسوم

کارتون یکی از بهترین راه های آموزش آداب و رسوم، سنت ها، تاریخ و افسانه ها به کودکان است. برای مثال تماشای کارتون انیمیشن درباره رامایانا و ماهاباراتا اسطوره های هندی و اخلاقیات را به کودکان یاد می دهد.

تاثیرات منفی کارتون بر کودکان

اگرچه تماشای کارتون تاثیرات مثبت زیادی بر کودکان دارد اما اثرات منفی ای هم بر رفتار و رشد شناختی کودک دارد که در ادامه به آنها اشاره می کنیم: (سخن سنج و همکاران، ۱۳۹۴)

۱. ایجاد خشونت و رفتارهای نامتعارف در کودکان

قرار گرفتن در معرض تماشای محتوای نامناسب که دارای رابطه جنسی، الکل و مواد مخدر است، می تواند سوالاتی را در کودکان ایجاد کند، پاسخ هایی که ممکن است برای آنها بسیار پیچیده باشد. بدترین بخش این است که قرار گرفتن در معرض زودرس آنها می تواند به آنها یک دیدگاه تحریف شده از این عناصر بدهد.

خشونت هایی که در فیلم های ۱۸+ و ابرقهرمانی به تصویر کشیده می شود، به آنها این ایده را می دهد که خشن بودن یک عمل خوب است! بنابراین، کودکانی که برنامه های تلویزیونی بر اساس ابرقهرمانان را تماشا می کنند باور می کنند که خشونت بد نیست. تماشای کارتون هایی که حاوی تصاویر خشونت آمیز هستند، کودکان را تشویق می کنند تا زندگی واقعی هم رفتارهای خشن از خود نشان دهند. به علاوه، کودک ممکن است تحت تاثیر کارتون هایی که می بیند، تصور کند کسی

آسیب نمی بیند و یا احساس درد نمی کند. مثلاً در کارتون تام و جری، همدیگر را می زنند یا از ارتفاع پرتاب می شوند اما هیچ آسیبی نمی بینند.

گروه هایی از کودکان نسبت به تصاویر خشونت آمیز آسیب پذیرتر هستند:

- کودکان اقلیت و گروه های مهاجر

- کودکان حساس و زودرنج و یا دارای اختلالات و مشکلات روانشناختی

- کودکان با ناتوانی یادگیری

- کودکانی که در معرض سوءاستفاده و کودک آزاری قرار دارند

- کودکان در خانواده هایی که دارای آسیب های اجتماعی هستند و یا در کل فضای خانوادگی ناراحتی دارند

۲. رفتار غیرقانونمند و فقدان همدردی

کارتون های زیادی وجود دارند که رفتارهای بی ادبانه و یا گوش نکردن به حرف بزرگ ترها را نشان می دهند. کودک ممکن است چنین رفتارهایی را در زمانی که والدین یا مراقبین از او می خواهند رفتار نامناسبی را متوقف کند، انجام دهد و آنها را به چالش بکشد.

۳. ادبیات نامناسب

معمولاً کارتونها حاوی کلمات نامناسبی هستند و کودک ممکن است برای تقلید از شخصیت های محبوبش از این ناسزا یا کلمات نامناسب در گفت وگوهای روزمره اش استفاده کند.

۴. رفتارهای غیراجتماعی

کارتون های زیادی هستند که رفتارهای غیراجتماعی را تشویق می کنند و کدهای رفتاری غلطی به بچه ها می دهند. در بسیاری از کارتونها مسائل جنسی که مناسب سن بچه ها نیست گنجانده شده یا رفتارهای تهاجمی و بی ادبانه را تشویق می کنند. در نتیجه کودک ممکن است تصور کند رفتارهای این چنینی نرمال هستند و می تواند مثل آن رفتار کند.

۵. سبک زندگی کم تحرک و مشکلات جسمانی

ساعت های زیاد نشستن جلوی تلویزیون و تماشای کارتون مشکلات زیادی را برای سلامتی کودک ایجاد می کند. کم تحرکی باعث چاقی و اضافه وزن می شود؛ چشم کودکان مشکل جدی پیدا می کند؛ و عادات ناسالم غذایی موجب کمبود ویتامین ها و مواد مغذی کافی در بدن کودک می شود.

۶. الگوهای نامناسب

معمولاً کودکان از شخصیت های محبوب خود قهرمان سازی می کنند و سعی می کنند در زندگی واقعی هم مثل آنها رفتار کنند. در بیشتر موارد هم نقش های منفی که عادت های اشتباه و رفتارهای مخرب دارند، مورد توجه شان قرار می گیرند. این

تأثیر منفی، عواقب جبران ناپذیری دارد و باعث می شود کودک رفتارهای ضد اجتماعی، خلاف قانون و آسیب زنده انجام دهد که موجب طرد کودک از محیط های اجتماعی می شود.

۷. نشان دادن نمایی تحریف شده از جهان

فیلم ها و سایر برنامه های تلویزیونی ممکن است واقعیت را اغراق کنند و صحنه های بسیار خشنی را به صورت زنده ایجاد کنند که ممکن است برای کودکان ترسناک باشد و میزان خشونت و سلاح های مورد استفاده در تلویزیون ممکن است به آن ها این احساس را القا کند که جهان مکانی ناامن برای آن ها است. در عین حال، نمایش های کارتونی و انیمیشنی که تأثیرات خشونت را تحت تأثیر قرار می دهند ممکن است کودکان را به رویدادهای دنیای واقعی تبدیل کند.

۸. تبلیغات ناسالم و مصرف گرایی

یکی دیگر از بلاهای تلویزیون، مصرف گرایی است. تعداد آگهی های تبلیغاتی که کودک در تلویزیون می بیند، آن ها را در معرض انواع برندها و محصولات قرار می دهد که ممکن است به آن نیاز نداشته باشند. این تبلیغات تجاری، کودکان را به مصرف غذاهای ناسالم و نوشیدنی ها تشویق می کند. در نتیجه بچه ها باور می کنند که مواردی مانند فست فود، نوشابه و غیره مفید و خوب هستند. در همین حال، بچه ها اصرار دارند چیزی را بخرند که در تلویزیون دیده بودند و والدین آن ها قربانی مصرف گرایی بیهوده می شوند. آن ها مجبورند برای چیزهایی که بچه هایشان می خواهند و به آن ها نیاز ندارند پول خرج کنند.

۹. از بین بردن روابط اجتماعی

کودکانی که زمان بسیاری برای تماشای تلویزیون صرف می کنند، زمانی برای بازی کردن یا معاشرت با همسالان و افراد نزدیک خود را ندارند. ارتباط کم یا عدم تعامل با همسالان می تواند بر رشد اجتماعی آن ها تأثیر بگذارد. تلویزیون زمانی را که برای تعامل با دیگر کودکان در چرخه اجتماعی خود به کار می روند را می خورد، که ممکن است بر دانش و درک آن ها از تعاملات و روابط اجتماعی در بزرگسالی تأثیر قابل توجهی بگذارد.

روانشناسی و تأثیرات شخصیت های انیمیشنی

مغز هر انسان به دو بخش ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه تقسیم می شود. ضمیر خودآگاه یا هوشیار بخشی است که فقط در هنگام بیداری فعال است، اعمال ارادی انسان را کنترل می کند و وظایفی چون تفکر تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری را برعهده دارد (کارهایی که تأثیرش را روی خودمان متوجه می شویم) اما ضمیر ناخودآگاه یا ناهوشیار بخشی است که همیشه (حتی هنگام خواب) فعال است، تمام کارهای غیرارادی سیستم بدن را کنترل می کند و مسئولیت ساختن نظام باورهای انسان را نیز به عهده دارد (کارهایی که تأثیرش را روی خودمان متوجه نمی شویم) (صادقی نیا و نبی اسدی، ۱۳۹۴). راه ورودی ضمیر ناخودآگاه ضمیر خودآگاه است، یعنی هر آنچه که خودآگاه ما می پذیرد؛ بخش زیادی از آن تقریباً ۹۰ درصد را در ناخودآگاه ذخیره می کند و خودش را در آینده نشان می دهد. ضمیر ناخودآگاه تمام وقایع پیرامون انسان را از دوران جنینی تا امروز در خود ثبت کرده است هرچه سن پایین تر باشد، تأثیر ضمیر ناخودآگاه بیشتر است به طوری که گفته می شود بیشترین تأثیر آن در دوران جنینی و بعد از آن؛ خردسالی است. گفتار و رفتار والدین، رویدادهایی مثل رسانه ها

رادیو و تلویزیون و از این قبیل تاثیر زیادی بر ضمیر ناخودآگاه کودک برجای می گذارد که این تأثیرات در زندگی و آینده کودک نقش بسزایی دارد.

ضمیر ناخودآگاه، باورهای انسان را ساخته و شخصیت؛ اعتماد به نفس و هویت آدمی را شکل می دهد و روحیه ی انسان را در هر لحظه ی عمر او می سازد. باور؛ آن چیزی است که در ذهن انسان نقش می بندد و در دین از آن به عنوان "یقین" یاد شده است. به همین خاطر در روایات به ما توصیه می شود که، در کودکی که تأثیرپذیری فرزند بیشتر است باورهای دینی را به او بیاموزید، زیرا این آموزش ها در ضمیر ناهوشیار او ذخیره می شود و در دوران بزرگسالی از آن ها بهره خواهد برد؛ اما اگر ما از این فرصت استفاده نکنیم و افراد دیگر یا رسانه این وظیفه را به عهده بگیرند و مطالبی را در ضمیر ناهوشیار فرزند ما ذخیره کنند، بعدها هر چقدر سعی کنیم، مطالب صحیح را به او آموزش دهیم، این امر به سختی اتفاق خواهد افتاد، چون مطالب ما باید جایگزین مطالبی که قبلاً در ذهن فرزند نقش بسته بشود و این کار سختی است، اما مسائلی که بر روی ضمیر ناخودآگاه تأثیر می گذارند عبارتند از: آموزش ها و مشاهدات دوران کودکی، ضربه های جسمی و روحی، تلقین مکرر به نفس و هیپنوتیزم (صادقی نیا و نبی اسدی، ۱۳۹۴).

آزمایش های روان شناسان نشان می دهد که ضمیر ناخودآگاه، قدرت انتخاب و استدلال و قوه ی منطق ندارد و به این علت هر تلقینی را که هر قدر هم که نادرست و خطا باشد می پذیرد (درست و غلط را تشخیص نمی دهد) و بر اساس آن تلقین، عمل می کند حتی اگر به ضرر فرد باشد و اگر خود فرد آن را برنامه ریزی نکند، توسط دیگران، شرایط و محیط، برنامه ریزی خواهد شد و بدون این که به خوب یا بد بودن آن توجهی کند دقیقاً آن ها را به مرحله اجرا در خواهد آورد. پذیرفتن این تلقین و اجرای آن اگر با احساس ناخوشایند و تکرار همراه باشد به مراتب بیشتر خواهد بود. امروزه اسباب بازی ها، بازی های کامپیوتری و انیمیشن ها با طراحی های دقیق و حساب شده که روی آن ها صورت گرفته از جمله ابزارهایی هستند که تاثیر مستقیمی بر روی ضمیر ناخودآگاه کودکان می گذارند (همان منبع).

تاثیر و اهمیت انیمیشن در تربیت کودکان

خشونت طلبی

کارشناسان در پژوهش های خود دریافته اند که تغییراتی در عملکرد مغز اتفاق می افتند که هنگامی که کودکان صحنه های خشونت آمیز فیلم را می بینند، انگیزش و خشونت را کنترل می کنند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد این تغییرات می تواند موجب رفتار خشونت آمیز در آینده شوند. محققان فعالیت های مغزی دریافته اند که کودکان هنگام تماشای انواع صحنه های خشونت آمیز آن بخش از مغزشان که برای نگهداشتن خاطرات طولانی است مدت اتفاقات آسیب زا است، فعال می شود. این همان بخشی است که برای مثال افرادی که آسیب روانی دیده اند و قربانیان تجاوز به عنف خاطرات مورد حمله قرار گرفتشان را در آن ذخیره می کنند. نویسندگی این مقاله پروفیسور "جان موری" در حضور سنای آمریکا شهادت داد که مغز سرگرمی خشونت بار را واقعی تلقی کرده و این خشونت ها در حافظه طولانی مدت ذخیره می کند. وی افزود: "بسیاری از والدین، دچار این سوء تفاهم هستند که با بردن فرزندانشان به سینما یا نشستن با آنها پای تلویزیون می توانند با تأثیرات خشونت روی آن ها مقابله کنند. آن ها چنین استدلال می کنند که با آموزش سواد رسانه ای به کودکانشان یا به عبارت دیگر آموزش این که صحنه های خشونت آمیز و واقعی نیستند آن ها را از هر تاثیر معصون نگه می دارند اما شواهد علمی در تحقیقات جدید روی اعصاب نشان می دهند که کودکان توانایی تمایز بین خشونت های واقعی و خیالی را ندارند

و والدین نمی توانند برای به حداقل رساندن تأثیرات طولانی مدت آنچه که کودکان می بینند، تنها با حضور و مشورت با آنها کاری انجام دهند."

جالب تر از آن تحقیقاتی است که نشان می دهد تماشای خشونت تلویزیونی عملکرد "لوب فرونتال" مغز را تحت تاثیر قرار می دهد بدین معنی که فعالیت ناحیه لوب فرونتال (ناحیه مسئول تصمیم گیری) آنها کاهش یافته و در نتیجه توانایی های آنها در تمرکز ذهنی، کنترل هیجانات و مدیریت خود، کاهش می یابد بطوری که کودکان را از حالت یک کودک عادی بیشتر شبیه کودکان DBD کرده است. این کودکان، اختلالات رفتاری خشن تر و مخرب تر از خود نشان می دهند (باقری نژاد، ۱۳۹۱).

مطالعات مرکز روان سنجی آمریکا نشان می دهد کودکانی که خشونت های بسیار واقعی را به طور مکرر و بدون هیچ تنبیهی در کارتون ها می بینند، بیشتر احتمال دارد به تقلید و اجرای آنچه دیده اند بپردازند. دیدن صحنه هایی همچون صدمه ندیدن شخصیت های کارتون در مبارزه با موجودات عجیب و وحشتناک فضایی، ترس از خشونت را در کودکان از بین می برد چون آنها نیز تصور می کنند اگر کارهای خشنی انجام دهند، صدمه نخواهند دید. این کودکان، یا همان لحظه که مشغول تماشای کارتون یا انجام بازی کامپیوتری هستند از خود واکنش های عصبی نشان می دهند و شروع به ابراز خشونت می کنند و این خشونت ها را در ضمیر ناخودآگاه خود ذخیره کرده و هنگامی که شرایط برایشان فراهم شده بروز می دهند. برای مثال، در بازی ها نقش های خشن را برعهده می گیرند یا در مدرسه و مکان های دیگر با همسالان شان زیاد دعوا و کتک کاری می کنند یا وقتی در شرایطی با خواهر کوچک ترشان تنها می شوند، شروع به اعمال زور و خشونت بر او می کنند. یکی از راهکارهایی که کارشناسان در برخورد با خشونت طلبی کودکان ارائه می دهند پرهیز از تحریک عصبی این کودکان و فراهم کردن محیط زندگی آرام و به دور از هر نوع تشنج برای آنان است همچنین توصیه می شود بازی های این کودکان نیز عاری

از هرگونه خشونت باشد علاوه براین، برای تخلیه هیجانات و مدیریت خشونت کودک نیز می توان او را ترغیب به شرکت در ورزش های رزمی می کرد (همان منبع).

هیجان خواهی

پژوهش ها نشان می دهد کارتون هایی که سرعت تغییر تصاویر در آنها زیاد است سبب افزایش ترشح دوپامین در مغز و ایجاد حس هیجان در فرد می شود که تکرار این موضوع می تواند اعتیادآور و آسیبزا باشد. اسکن مغز کودکانی که عادت به دیدن کارتون و فیلم های با سرعت تغییر تصویر بالا دارد بعد از مدتی شبیه اسکن مغز قماربازان حرفه ای می شود.

تقلید و الگوپذیری

تقلید در پوشش، گویش، رفتار و عرق رفتار و حرکات و به طور کلی، باورها و سبک های زندگی نیز یکی دیگر از آسیب های مشهود انیمیشن ها است. گاهی این الگوپذیری و تقلید زودگذر بوده و بعد از مدتی از سوی کودک فراموش می شود، اما در صورتی که این تقلیدها تبدیل به عادت شود و ادامه پیدا کند آسیبزا خواهد بود.

کابوس های شبانه

دکتر محسن ایمانی در این باره می گوید: "باور کارتون های حاوی خشونت و تصاویر حیوانات و موجودات عجیب در کودکان، آن ها را با کابوس های شبانه و ترس های غیرواقعی مواجه می کند و ترس را در آن ها نهادینه می کند."

بلوغ زودرس

تمایلات جنسی پنهان در بسیاری از این انیمیشن ها و اباحه گری های خاص آن ها باعث آلودگی ذهن کودکان می شود. منظور از تمایلات جنسی هر چیزی است که تحریک کننده احساس و عاطفه باشد و در نهایت به امور جنسی ختم شود، به عنوان مثال حرف های عاشقانه و رویایی، دست دادن، بغل کردن، رقصیدن، بوسیدن و از این دست که به وفور در انیمیشن های ذکر شده دیده می شود. کودکان این صحنه ها را در ضمیر ناهوشیار خود ثبت می کنند و هنگامی که شرایط برایشان مهیا شود (مثلاً تنها شدن دختر و پسر به بهانه ی بازی در جمع های فامیلی و...) ممکن است دست به چنین اعمالی بزنند و نه تنها آن را دور از حیا و عفت نمی دانند بلکه احساس می کنند مجوز چنین رفتارهایی را دارند چون در این انیمیشن ها، این موضوع به عنوان بخش عادی و بسیار جذاب زندگی مطرح می شود. بر اساس یک قاعده روان شناسی انسان ها هر وقت زودتر از وقت معمول به یک چیز برسند مثلاً در سن کودکی از مسائل جنسی آگاه شوند معمولاً آسیب می بینند. خوش شانس به جای تلاش و سخت کوشی

در انیمیشن های پسرانه؛ بسیار مشاهده می شود که خوش شانس به جای تلاش و سخت کوشی معیار قرار می گیرد در واقع؛ این شخصیت های الگوساز؛ بجای اینکه به فرزندان ما بیاموزند که با تلاش، مطالعه و یادگیری استفاده از فرصت ها و

تصمیم گیری های درست و مسئولیت پذیری؛ مهارت هایشان را افزایش بدهند و به موفقیت برسند؛ سستی و بی هدفی را معیار خود قرار داده و همواره منتظر اتفاقی هستند که آن ها را به آرزوهایشان برساند!

تهی بودن از اخلاق و انسانیت

لیبرالیسم که در غرب، مبنای زندگی قرار گرفته به معنای آزادی غریزه و هوس است. حتی قوانین نیز در آن جا براساس همین تفکر شکل گرفته اند؛ بدین معنا که آزادی یک فرد در لذت طلبی هوس آلود، به هیچ وجه نباید محدود شود مگر زمانی که آزادی فرد دیگری در لذت طلبی هوس آلودش به خطر بیفتد یعنی هوس؛ تنها با هوس دیگران محدود و مقید می شود. در چنین دنیایی با چنین سبکی از زندگی؛ مفاهیم و فضایل اخلاقی مانند: گذشت، ایثار، فداکاری و حتی مفاهیم ساده تر مانند: صداقت و خوش خلقی چه معنایی خواهد داشت؟ و انسان ها به چه دلیل و انگیزه و امیدی باید از منافع مادی خود بگذرند؟ چرا باید لذت های خود را نادیده بگیرند؟ به چه امید باید فداکاری کنند؟ وقتی همه چیز لذت است و لذت و لذت؟! (باقری نژاد، ۱۳۹۱).

سفیران آمریکایی شخصیت های الگوساز برای کودکان پسر



تکنولوژی و ثروت بزرگترین ابزار دنیای غرب برای مشکلات دنیای صرفاً مادی آن است دنیایی که خدا و معنویات هیچ ارزش و جایگاهی در تفکر و زندگی مردمانش ندارد در چنین دنیایی رشد و تعالی روحی بشر بی معنا است لذا اساساً قهرمانی در این فرهنگ وجود ندارد تا بشود به آن افتخار کرد بنابراین باید قهرمانانی ساخته شوند هر چند این قهرمانان خیالی باشد

در این اندیشه برای قهرمان سازی باید به سراغ ابزارهایی برای توانمندتر کردن جنبه مادی و حیوانی انسان ها رفت و با استفاده از تکنولوژی و توانمندی مادی حیواناتی خیالی را خلق کرد (مدیحی، نیکرهی، ۱۳۹۷).

ابرقهرمان های غربی عموماً یا فضایی هستند مانند سوپرمن یا جادوگرند مانند هری پاتر یا با استفاده از ثروت و تکنولوژی فوق پیشرفته به توانایی هایی دست می یابند مانند بتمن یا اسپایدرمن بر اثر یک جهش تکاملی برگرفته از تفکر داروینیسیم به ابر قهرمان تبدیل می شود. برخی نیز مانند بن تن ابرقهرمان بودنشان را هم مدیون قدرت موجودات فضایی و هم جهش تکاملی ای که با موجودات دیگر پیدا می کنند هستند. سوپرمن او زمینی نیست و متعلق به یک سیاره ی دیگر است مدعی داشتن قدرت های خداوند و ویژگی های پیامبران است سوپرمن نیرو بر قدرت های فوق العاده ای دارد و دارای شخصیتی منجی و صلح دوست است و شخصیتی فراقانون است و به قوانین اهمیت نمی دهند هرزه و بی بندوبار و خوش گذران است علاقه ای به ازدواج و تشکیل خانواده ندارد. او قدرت پرواز و شناور ماندن در آسمان پریدن داخل فضا تا شعاع چند کیلومتری و رفت و آمد بین سیارات و سفر در زمان؛ جابه جایی اشیاء بسیار بزرگ و سنگین مانند بلند کردن اتوبوس حمل هواپیمای مسافربری کندن کوه ها از جای خود و دویدن و پرواز کردن با سرعت بی نهایت (ما فوق سرعت نور) خرد کردن الماس با انگشتان و شکافتن هر فلز با دست و آتش زدن اشیاء و ذوب کردن فلزات با اشعه لیزر که از چشمانش خارج می شود و منجمد کردن و راه انداختن طوفان با فوت کردن و داشتن اشعه ایکس و دید تلسکوپی (توانایی دیدن اشیاء از پشت موانع)؛ داشتن بدنی که با انرژی خورشید شارژ می شود می باشد.

سوپرمن که پیش از ورود به عرصه فیلم سال ها به صورت داستان های مصور به کودکان و نوجوانان معرفی شده بود در سال ۲۰۱۱ رتبه اول در بین صد قهرمان دنیای کامیک بوک را به خود اختصاص داد با ورود سوپرمن مدرن شده در سال ۲۰۱۳ محبوبیت این شخصیت مجدداً احیا شد با این تفاوت که دیدگاه طرفدارانش نسبت به پانزده تا بیست سال گذشته بسیار فرق کرد و سوپرمن جدید با رفع نقص هایی که در گذشته داشت به محبوبیتی روزافزون دست یافت به طوری که هربرت چاوز سی و پنج ساله طرفدار فیلیپینی سوپرمن آن قدر شیفته این شخصیت خیالی شد که چندین جراحی پلاستیک انجام داد تا شبیه او شود و مجموعه بزرگی از یادبودهای سوپرمن را تهیه کرد.

کودکان اثرپذیرند و معتقدند این چیزها جزء واقعیات زندگی هستند آن ها وقتی کسی را به عنوان قهرمان می بینند او را تحسین می کنند می خواهند مثل او باشند و از او یاد بگیرد ولی امثال سوپرمن کسانی هستند که افراد نمی توانند از آن ها تقلید کنند آن ها قهرمانانی دست نیافتنی و ایده آل هایی کاملاً گمراه کننده هستند پروفیسور شارون لمب روان شناس آمریکایی معتقد است که این سوپر قهرمانان دارای خوشنوی کنترل نشدنی هستند آن ها خشن و نیش دارند و بندرت از فضیلت های انسانی صحبت می کند این قهرمانان با بهره برداری از زنان؛ خودمختاری و همچنین استفاده از اسلحه های مدرن؛ سعی در اثبات مردانگی خود دارند (مدیحی، نیکرهی، ۱۳۹۷).

موضوعات محوری در این گونه انیمیشن ها : ابرقهرمان بودن؛ منجی بودن؛ عقده ای بودن بتمن و تمامی دشمنانش بر اثر یک اتفاق در زندگی شان؛ دعوا؛ خشونت و خونریزی؛ زیر پا گذاشتن قانون؛ نماینده آمریکا بودن؛ لایه های پنهان شرق ستیزی؛ رابطه با زنان متعدد. مهمترین پیام زندگی و ماجراهای بتمن این است که: فاصله بین خوبی و بدی و حق و باطل وجود ندارد و بهترین آدم ها بر اثر یک اتفاق تبدیل به جنایتکارترین آدم ها می شوند و جنایتکارترین آدم ها آن قدرها که ما

فکر می کنیم آدم های بدی نیستند بلکه بر اثر یک اتفاق و یک عقده تبدیل به جنایتکار شده اند و در نهایت آدم های بدی نیستند و فقط بدشانس و بیمارند.

در این نوع نگاه درست و غلط؛ حق و باطل معنای مشخصی ندارند و بی معنا هستند.

دکتر آریک سیگمن عضو وابسته به انجمن روان شناسی بریتانیا در مقاله چگونه تماشای فیلم هایی مثل بتمن کودکان را به سمت خشونت می برد می نویسد مغز سرگرمی خشونت بار را واقعی تلقی کرده و این خشونت ها را در حافظه طولانی مدت ذخیره می کند تحقیقات جدید روی اعصاب نشان می دهند که کودکان توانایی تمایز بین خشونت های واقعی و خیالی را ندارند و هرچقدر کودکان کم سن و سال تر باشند عملکرد و ساختار مغزشان می تواند راحت تر و دائمی تر تقلید کند و در نتیجه تماشای خشونت تلویزیونی این کودکان را بی عاطفه تر و خشن تر از دیگر همسن و سالان شان می کند و می تواند موجب افزایش رفتارهای تهاجمی و خشونت آمیز در آینده شود

مرد عنکبوتی فردی است یتیم و پدر و مادر ندارد، خجالتی بی عرضه و منزوی است و شخصیت مهربان و مظلوم دارد او زندگی فقیرانه ای دارد او شخصیتی نجات دهنده است و می تواند از دیوار بالا برود می تواند فاصله های چندمتری را بپرد از دستانش تارهای بسیار محکمی خارج می شود و به اجسام دور می چسبد و به او امکان پریدن و حرکت از میان برج های بلند شهر را می دهد نکته جالب توجه اینجاست که تنها زمانی تارها از دستش خارج می شوند که انگشتان پنجه دستش را به علامت شیطان پرستانه ای (شاخ شیطان) باز کند و می تواند مثل بعضی حشرات و حیوانات خطرات قریب الوقوع را حس کند انگشتانش دارای پرزهای است که باعث چسبیدن دست و پاهای او به اجسام می شود دشمنان او موجوداتی هستند که بر اثر یک جهش تکاملی به موجود جدید عموماً ترکیب انسان و حیوان تبدیل شده اند (مدیچی، نیک رهی، ۱۳۹۷).

استفاده از نمادهای فراماسونری که واضح ترین آن حالت دستان او هنگام تنیدن تار است علامت سلام شیطان پرستان که به دست شاخ دار معروف است و نشان دادن و معرفی انسان های حیوان نما یا حیوانات انسان نما؛ محور اصلی خیر و شر در این فیلم ها پیشرفت علمی و تکنولوژی است به طوری که مرد عنکبوتی و تقریباً تمام دشمنانش طی یک فرایند علمی برگرفته از تئوری تکامل داروین به موجودی خطرناک تبدیل شده اند استفاده ابزاری و سرم سرگرم کننده از زن و ارائه سبک زندگی غربی و آمریکایی از موضوعات محوری در انیمیشن های مرد عنکبوتی می باشد.

ابر قهرمان هایی مثل مرد عنکبوتی با توانایی خود در پرواز کردن پریدن و قدرت زیاد کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد. بعد از آن کودکان تلاش می کنند تا از آن ها تقلید کنند و همین موضوع منجر به این می شود که کودکان ایمان و امید به توانایی های واقعی و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و یا به خودشان آسیب بزنند که گاهی اوقات منجر به مرگ می شود نکته حائز اهمیت آن است که بزرگسالان به این گونه فیلم ها علاقه بسیار فراوانی دارند و این فیلم ها جزو پرفروش ترین فیلم های دنیا محسوب می شوند چرا که بزرگسالان با نگاه کردن به این گونه فیلم ها تخیلی از لحاظ روحی و روانی تخلیه شده و به نوعی سرپوش بر روی ناکامی ها و عدم توانمندی های خود در زندگی گذاشته و به گونه ای عقده های روانی خود را تخلیه می کنند لذا در کنار پرفروش قرار گرفتن این فیلم ها و توجه بزرگسالان کودکان نیز از این موضوع بی بهره نمانده و در کنار بزرگسالان به تماشای این گونه فیلم ها می نشینند و در نتیجه انیمیشن های ساخته شده از روی این فیلم ها نیز مورد توجه زیاد کودکان قرار می گیرد و این خود باعث آسیب رسیدن به روح و روان و نحوه تربیت و یادگیری کودکان می شود (همان منبع).

هری پاتر، او یتیم است و پدر و مادر ندارد هری پاتر ذاتاً جادوگر است و جادوگر به دنیا آمده است نکته قابل تأمل این جا است که در دنیای هری پاتر انسان ها ذاتاً جادوگر به دنیا می آید در غیر این صورت مشنگ هستند و نسبت به جادوگران

دیگر دارای قدرت های خاص و ویژه تری است در مدرسه جادوگری هاگوارتز درس می خواند و هوش و ذکاوت ویژه ای ندارد بلکه قدرت خاص جادوگری او برگ برنده شخصیتش است. در موارد متعدد دروغ می گوید و قوانین را زیر پا می گذارد هری پاتر شخصیت موعود و برگزیده شده از میان جادوگران است و یک منجی است و با داشتن چوب دستی و دیگر ابزار جادویی امکان انجام کارهای خارق العاده ای مختلفی دارد هری پاتر با داشتن شل نامرئی ساز قادر است که در هر مکان و فضایی که می خواهد نامرئی شود و با داشتن جادویی می تواند بر روی دسته آن بنشیند و پرواز کند قدرت های جادویی او بیشتر از جادوگران است.

موضوعات محوری در فیلم های هری پاتر درباره جادوگری؛ جادوگر خوب و بد؛ بارزش تر بودن جادوگرها نسبت بقیه جادوگرها؛ تخیلات و رویاپردازی های مخرب و وجود شانس و تصادف به عنوان نقش اساسی در زندگی؛ همچنین صحنه های جنسی و روابط دختر و پسر؛ آموزش های غیراخلاقی ترس، وحشت و خشونت، فقدان وجود خدا، منجی موعود خواندن هری پاتر؛ لایه های پنهان از دین هراسی و لایه های پنهان فراماسونری و کابالا و شیطان پرستی می باشد.

کودکان اولیا و اطرافیان بزرگسال خود را الگوهایی برای خود قرار می دهند و از آنجایی که کتاب های هری پاتر محبوبیت زیادی در سراسر دنیا پیدا کرد و عده زیادی در سراسر دنیا اقدام به خرید کتاب های هری پاتر کردند بسیاری از کودکان کنجکاو به خیل این جماعت مشتاق پیوستند به طوری که همه به کتاب فروشی ها هجوم آورده و حتی نیمه های شب هم در کتاب فروشی ها باز بود تا هرچه سریع تر این کتاب را به دست مخاطبان گرسنه هری پاتر برساند در اولین روزهای فروش مجموعه کتاب های هری پاتر مخاطبان این کتاب در ایران نیز در ساعت دو و نیم نیمه شب در صف های طولانی منتظر دریافت اولین نسخه های این کتاب بودند. نویسنده کتاب هری پاتر در مدت کوتاهی موفق به دریافت بیش از چهل جایزه مختلف شد. جلد هفتم عنوان پرسرعت ترین کتاب را در حوزه فروش به خود اختصاص داد؛ به گفته ی برخی فروشندگان کتاب این میزان فروش در تاریخ صنعت کتاب بی نظیر است.

با این وجود ویژگی های جذاب این اثر؛ ضعف های تکنیکی داستان؛ ضعیف بودن فیلم ها نسبت به کتاب از نظر بینندگان نشان می دهد که دلایل این موج جهانی و شهرت افسانه ای را نباید تنها در تکنیک و زیبایی های اثر جستجو کرد. تبلیغ هوشمندانه ناشر کتاب و نقش رسانه ها در تبلیغ و شیوه عرضه کتاب؛ از عوامل مؤثر در شهرت و محبوبیت این اثر به حساب می آید. به عقیده بسیاری از کارشناسان کودک و نوجوان کتاب های هری پاتر بسان یک بمب مخرب برای ذهن بچه ها به شمار می آیند که آن ها را وادار می کند تا در مقابل دنیایی سیاه و خیالی تصویر شده در کتاب به بخش دیگری از القابات آن پناه ببرند و جادوگران خوب را منجی خود بشمار آورند اما وقتی با فقدان آنها در دنیای واقعی مواجه می شوند به شدت دچار سرخوردگی و انفعال خواهند شد.

برخی مؤسسات و سازمان های NGO؛ فرهنگی و اجتماعی در آمریکا و اروپا پدیده هری پاتر را موجه رواج خرافات و اوهام و دور شدن از واقعیات و حقایق اجتماع می دانند که به اشاعه بی مسئولیتی در میان نوجوانان و جوانان خواهد انجامید. این

مؤسسات ممنوع شدن تماشای برخی از این فیلم ها را برای بچه های زیر سیزده سال خصوصاً بدون حضور والدین خواستار شده اند.



ابرقهرمان هایی که تاکنون بررسی کرده ایم توانایی ها و قدرت های مشخصی داشتند اما قدرت و توانایی های بن تن و قابلیت هایی که ساعتش به او می دهد به چیزی محدود نیست و هر قدرتی را که می توان تصور کرد داراست قدرت های نامحدودی که فقط می توان برای خداوند متعال متصور شد درواقع بن تن نماد تفکر انسان - خدایی یا اومانیزم غرب است و ساعت او که مخلوق موجودی فضایی به نام آرموس است نماد انتقال قدرت های ماورایی از خدا به دست بشر است. نام آرموس که خالق مهم ترین ابزار قدرت جهان یعنی ساعت آملی تریکس است؛ بسیار شبیه نام خدایان اسطوره ای فرهنگ غرب مانند: اوشنوس (خدای اقیانوس ها)؛ ژئوس (خدای خدایان) و می باشد بنابراین او نماد خداوند است ساعت او نیز برگرفته از نظریه یا پروژه خدای ساعت ساز دکارت و دیگران است که معتقدند خدا این جهان را مانند ساعت ساخته و رها کرده و حرکت ساعت خودش است. در این اندیشه انسان هر چند مخلوق خدا باشد برای ادامه حیات خود نیاز به خدا ندارد در نتیجه ایمان و عمل صالح در این تفکر بی معنا است و اکنون بن تن با ساعتی که متعلق به او است به عنوان نماینده ی یهودی - آمریکایی بشر قدرت خدایی را در دست دارد.

او پسری بازیگوش خوش گذران و لجباز است، قدرت طلب و شهرت طلب است. شخصیتی نجات دهنده دارد. پسری مغرور و متکبر است و گوئن دختر عمو و دستیار بن تن در وصف او می گوید: « بن تنی که من می شناسم مغرور؛ نادونه نفرت انگیزه و هیچ بویی از خوبی نبرده » او بی ادب است و بارها دروغ می گوید؛ پدر و مادر نقش کم رنگی در زندگی او دارند و در واقع به عنوان افرادی مزاحم نشان داده می شوند پدر و مادر تنها در چند قسمت کوتاه برخی انیمیشن ها دیده می شود که در آن ها بن تن در حال سرکشی از خواسته های آن ها؛ دروغ گفتن و پنهان کردن واقعیت از آن ها است. آن ها نه تنها نقش تربیتی برای او ندارند بلکه کمتر از فرزند خود می فهمند و می دانند.

بن تن دانش آموزی فراری از مدرسه است که اصلاً حوصله مطالعه و درس خواندن ندارد کمتر فکر می کند و با تصمیمات عجولانه خود به دنبال هیجان می شتابد؛ رفتارهایش از روی دقت و برنامه ریزی نیست بلکه از روی بازیگوشی انتقام جویی و

هیجان است. بن تن به واسطه ساعت آملی تریکس که در دست دارد در شرایط لازم با یک موجود فضایی موجود در ساعتش پیوند می یابد و به آن موجود بدل می شود و قدرت های مافوق بشر می یابد؛ تبدیل شدن به گلوله آتش تبدیل شدن به درنده ی وحشی؛ تبدیل شدن به سرسخت؛ تبدیل شدن به سریع السیر؛ تبدیل شدن به موجود خاکستری؛ تبدیل شدن به چهار دست؛ تبدیل شدن به حشره بدبو؛ تبدیل شدن به دهان پاره؛ تبدیل شدن به جهش یافته؛ تبدیل شدن به شیخ عجیب و تبدیل شدن به گوانای قطبی از جمله توانایی هایی است که این ساعت به او می دهد. ترس و وحشت و خشونت تخیلات و رویا پردازی های مخرب و به تصویر کشیدن دنیای غیرواقعی و رفتارهای خشن و وحشیانه؛ جنگ و مبارزه برای دست یابی به قدرت؛ جادوگری؛ وردهای جادویی؛ نقش اساسی شانس و تصادف در زندگی؛ وجود صحنه های جنسی؛ آموزش های غیراخلاقی از جمله موضوعات محوری در انیمیشن های بن تن می باشد.

بن تن خدای عاقل قدرتمندترین موجود جهان است که توانایی انجام هر کار ممکن را دارد او با استفاده از «آملی تریکس» (ساعت مچی بن تن) به موجود فضایی تبدیل شده به آسمان می رود و می فهمد که یکی از موجودات قدرتمند جهان است که مدیریت جهان در سیطره آن ها است می توان گفت براساس فلسفه و ایدئولوژی غرب او یکی از سه خدایان است «سرینا» (خدای مؤنث) که صدای مهربان و دلسوزی است «بلکاس» (خدای مذکر) که صدای خشم و تعرض و جدال ابدی است و «بن تن» که صدای عقل است (عقل بشر که در نگاه آن ها قدرتمندتر از قدرت خدایی می باشد) (مدیچی، نیکرهی، ۱۳۹۷).

انسان غربی خداوند را خالق جهان می داند اما چون عقل خود را کامل می داند نیازی به وجود خدا و اطاعت از فرامین اش نمی بیند؛ در این انیمیشن گویی آزموس (موجود فضایی سازنده آملی تریکس) همان خدای ساعت ساز پروژه دکارت است خدایی که جهان را چون ساعتی آفریده و کار گذاشتن باتری (عقل و علم) آن را به حال خود رها کرده تا بر اساس قوانین خود کار کند که با سرپیچی از او نه تنها موفق می شود بلکه ثابت می کند تنها راه پیشرفت و سعادت همین است. به ترجمه ی شعر تیزر شروع انیمیشن بن تن توجه کنید: «بن تن یک بچه است که می خواهد خوش بگذرونه ... ولی وقتی که به یک ابرقهرمان نیاز داشته باشی میاد و کار را تمام می کنه . بن تن با یک وسیله ای که روی دستش می بندنه ... می تونه تغییر شکل بده و جهان را از درد و رنج نجات بده وقتی مشکل اتفاق میفته؛ از ریشه برش می داره. بن تن وقتی جون آدم ها به خطر میفته نوبت قهرمان بازیشه».

آزموس (موجود فضایی سازنده آملی تریکس) درباره منجی بودن بن تن می گوید: «آملی تریکس کشتی نجات دهنده است و سکان دار آن بن تن است». و در جای دیگر پدر بزرگ بن تن می گوید: «کسی که دارنده آملی تریکس است می تواند سرنوشت بشریت را به دست گیرد». سازندگان این انیمیشن ها و خالق این شخصیت های انیمیشنی سالانه درآمد هنگفتی از فروش نه تنها خود این فیلم ها بلکه از راه فروش کتاب ها و لباس ها و عروسک های این شخصیت ها و تولید بازی های رایانه ای و سایر لوازمی که همچون کیف ها و اسباب بازیها؛ ساعت و لوازم دیگری که آرم و تصویر این شخصیت های انیمیشنی را دارد به درآمد هنگفتی رسیده اند ولی جای این سوال باقیست که آیا آنان چه خدمتی به فرهنگ و آموزش و تربیت و آینده این بچه ها نموده اند و صرفا با روح و روان آنان بازی کرده اند و به جای دادن آرامش و ترویج مهربانی و دوستی؛ دنیای قشنگ این عزیزان را به دنیایی از خشونت؛ ترس و اضطراب و خیالات واهی مبدل نموده اند. برخی مدعی هستند که تقویت حس تخیل در کودکان از ویژگی های مثبت این گونه انیمیشن ها است اما سوال این جا است که تقویت تخیل به چه نحوی و به چه سمت و سویی باید باشد؟ درواقع با چه روشی و به چه هدفی باید انجام شود؟ انیمیشن هایی مانند بن تن محتوای آموزنده ای ندارند و تنها احساس بچه ها را برانگیخته می کند در صورتی که ما نمی خواهیم

بچه‌ها بدون تفکر برانگیخته شوند و در عالم غیر ممکن‌ها به خشونت و وحشی‌گری‌های بی‌ارزش و بی‌هدف مشغول باشند. کودک باید با دلیل و منطق به هیجان بیاید چون انگیزش بدون تفکر فاقد ارزش است در این انیمیشن‌ها کودکان با نابودی دیگران به هیجان می‌آیند و این به معنی تخیل و تقویت آن نیست تخیلی خوب است که از دل آن یک تفکر سازنده بیرون بیاید مثلاً داستان‌های تخیلی ژول ورن مانند سفر به ماه و بیست هزار فرسنگ زیر دریا که بعدها در قالب زیردریایی و موشک به واقعیت پیوست (مدیحی، نیک‌رهی، ۱۳۹۷).

به گفته‌ی دنیل چندلر، کودکان برای تفکیک بین واقعیت‌ها و خشونت‌ها مشکلات زیادی دارند آن‌ها در طول طولانی مدت با دیدن کارتون‌های خشونت‌آمیز دچار افزایش اضطراب و رفتارهای ضداجتماعی و کابوس شخصیت‌های کارتون می‌شوند. اساس زندگی و تفکر غربی بر پایه‌های لذت قدرت شهوت ثروت استوار است و مفاهیم و دستورات ایدئولوژی آن‌ها براساس لذت‌طلبی صرفاً مادی انسان شکل گرفته است زندگی‌ای که انسان‌هایش با ادعای داشتن اوج تمدن و پیشرفت با این اندیشه زندگی می‌کنند که باید هرچه بیشتر و بیشتر از دنیا لذت ببرند و هر که بیشتر لذت ببرد پیروز است و هر که کمتر لذت ببرد باخت‌است مسلماً طراحان این شخصیت‌های انیمیشنی مبنای زندگی خود را بر همین اساس قرار داده‌اند شخصیت‌هایی که برای کودکان و نوجوانان الگو شده‌اند و خواسته یا ناخواسته این نوع سبک زندگی را بر آنان تحمیل می‌کنند سبک زندگی که منجی بودن با معیارهای مادی خشونت دوری از اخلاق و انسانیت و روابط جنسی خارج از چهارچوب تشویق به سستی و تنبلی عدم توجه به موضوعات مهم و بنیادی مثل خانواده و تخیلات و دوری از واقعیت زندگی؛ نداشتن چارچوب اجتماعی و عدم پایبندی به اصول و قوانین منطقی در آن جایگاه ویژه‌ای دارند.

خشونت و وحشی‌گری یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ابرقهرمانان غربی است؛ کافی است وقتی این فیلم‌ها پخش می‌شود تنها به صدای آن‌ها گوش کنیم تکرار صحنه‌های خشن و به اصطلاح اکشن شاخصه‌ی این فیلم‌ها است که خدا می‌داند با روح و روان مخاطبش خصوصاً اگر کودکان باشند چه می‌کنند. در تمامی این فیلم‌ها خانواده معنایی ندارد معیار زندگی و سبک زندگی غربی اصولاً نمی‌تواند معنا و مفهوم واضح و درستی از خانواده در این‌گونه فیلم‌ها در ذهن مخاطبان به جا بگذارد در اندیشه‌ای که فرد محوری و خودخواهی لذت محوری صرف شهوت‌رانی و هرزگی و ارتباطات جنسی بی‌قاعده وجود دارد اصولاً خانواده چه معنایی می‌تواند داشته باشد به همین دلیل این اندیشه در زندگی ابرقهرمانان که قرار است الگوهای جهانی آن‌ها باشند نیز مشهود است در زندگی این ابرقهرمانان چه در کتاب‌های داستان و چه در فیلم و انیمیشن پدر مادر خواهر برادر همسر فرزند و غیره حضور ندارند خالقان این شخصیت‌ها برای هر کدامشان بهانه‌ای ساختند مثلاً پدر و مادر مرد عنکبوتی و بتمن؛ هری پاتر و سوپرمن مرده‌اند سوپرمن تنها یک نامادری دارد و پدر و مادر بن تن در گوشه‌ای از این جهان برای خود زندگی می‌کند بدون این‌که هیچ ارتباطی با فرزند خود داشته باشند ظاهراً پرننگترین خانواده را همین بن تن دارد که در فصل‌های اول انیمیشن با پدر بزرگش که یک نگهبان کهکشانی است و دختر عمویش که قدرت‌های جادویی دارد دیده می‌شود گویی دنیای غرب خود بر نقص فرهنگی‌اش مبنی بر اهمیت نداشتن خانواده پی برده و تلاش کرده‌است در جدیدترین شخصیت ابرقهرمانی خود؛ رنگ و بویی از خانواده را طراحی کند.

آنچه درباره این ابرقهرمانان محرز است و آن‌ها برای اثباتش تلاش می‌کنند این است که همه موجوداتی مادی و بشری هستند نه بنده یا نماینده خدای متعال آن‌ها اصرار دارند که به مخاطبان خود بقبولانند برای نجات بشر هیچ نیازی به خدا و پیامبران و نمایندگان الهی نیست و آن‌ها با قدرت‌هایی که دارند منجی بشر خواهند بود به جملات کلیدی زیر توجه کنید سوپرمن پسر خدا سوپرمن فرستاده‌ی پدرش از سیاره آسمانی برای نجات مردم زمین است «پسرم در برابر زمینی‌ها مثل یک خدا خواهد بود» این جمله‌ای است که در فیلم سوپرمن پدر فضایی سوپرمن زمانی که پسرش را به زمین می‌فرستد

به او می گوید و بعد با همسرش آرزو می کنند فرزندشان بتواند دنیای بهتری بسازد زمین به قدرت و توانایی های تو نیاز دارد. مردم زمین دوست دارند خوب باشند ولی نور هدایتی که راه را به آنها نشان بدهد ندارند آنها لیاقت خوب شدن را دارند به خاطر همین من تو را برای آنها فرستادم (نازل کردم)! اینها جملات پدر سوپرمن در فیلم است که در ارتباطات وحی گونه ای که با پسرش دارد به او می گوید: «این همان جایی است که او برای هدایت و نجات بشر نازل شده است» مردم در فیلم سوپرمن وقتی به محل برخورد سفینه ی سوپرمن به زمین را می بینند این جمله را می گوید: او معجزه بزرگی کرد. در قسمت های دیگر فیلم سوپرمن می بینیم که اشاره دارد سوپرمن یک منجی است که برای همه حتی دشمنانش فداکاری های زیادی انجام می دهد و این منجی گری در جای جای فیلمها و انیمیشن هایش مرتباً تکرار می شود.

بتمن منجی فداکار و نماد ثروت و تکنولوژی غرب است بعد من شخصیتی است که نه تنها برای نجات مردم شهر جان فشانی می کند بلکه تبهکاران و دشمنانش را نیز نمی کشد و جان آنها را نجات می دهد بتمن هرگز برای شهرت کاری انجام نمی دهد در تمامی دیالوگ های فیلم شاهد آن هستیم که بتمن را دارای خصوصیت های پیامبر گونه ای معرفی می نماید که صرفاً این صفات همه با هم در یک پیامبر جمع می شوند. به جملات کلیدی زیر توجه کنید: «آنها ممکن است آدم های بدی باشند اما آدم های بد هم خانواده دارند» این جمله ای است که بتمن در درگیری با پلیس های فاسد شهر که جانسان در خطر است می گوید و سپس با به خطر انداختن جان خود آنها را نجات می دهد یا در جایی دیگر جمله ای را که جوکر از دشمنان بتمن در فیلم شوالیه تاریکی برمی خیزد به بتمن می گوید: «بتمن تو فسادناپذیری و هرگز به خاطر این که چند لحظه خودبینی بر تو غلبه کرده من را نخواهی کشت»؛ اسپایدرمن بالاتر از یک پیامبر معرفی می شود زیرا اگر پیامبران الهی در این دنیا برای نجات بشر سختی ها و رنج ها تحمل کرده اند محدودیت ها کشیده و فداکاری ها کرده اند در عوض پاداش ابدی الهی خداوند را به دست آورده اند اما ابر قهرمانانی چون مرد عنکبوتی نه تنها عملاً از این پاداش محرومند بلکه اصولاً اعتقاد و انگیزه ای برای دستیابی به این پاداش ها ندارند گویی او خود خدا است که بدون چشم داشت و وجود هیچ پاداشی؛ هدفش فقط و فقط نجات مردم است. هری پاتر جادوگر اصیل و جادوگرزاده ای که منجی آخرالزمان است به طوری که این ویژگی او به دفعات زیاد در تمام فیلمها تکرار می شود (مدیحی، نیکرهی، ۱۳۹۷).

ابرقهرمانان غربی مامورند غرب را ابرقدرت جهانی و حاکمیت آن را حاکمیت جهانی معرفی کنند، به همین دلیل، هر چیزی که نماد ضد غربی دارد به عنوان دشمن مطرح می شود مثلاً در موارد متعددی دشمنان آنان روسی هستند که از قدیم به عنوان قدرت شرق مطرح می شود و از طرفی، جهان شرق را محتاج به یک ابرقهرمان آمریکایی معرفی می کنند. این ابرقهرمانان آمریکایی هستند: بتمن، مرد عنکبوتی و بن تن، حتی سوپرمن که یک موجود فضایی است در آمریکا به زمین می آید و کاپیتان آمریکا، هالک و مرد آهنین، زن شگفت انگیز، آکومن، فلش، تور و سایر شخصیت های مارول همگی ناجیان انسان های کره زمین و از آمریکا بر می خیزند و در تمامی فیلم های آنان تصاویر متعدد پرچم آمریکا در صحنه های مختلف دیده می شود و به وضوح می توان آمریکایی بودن این شخصیت را حس کرد، حتی سبک اندیشه؛ مبارزه و اهداف آنها نیز کاملاً آمریکایی است، این جمله بارها در انیمیشن های تولید شده تکرار می شود که: "موجودات فضایی می خواهند زمین را نابود کنند" و برای نابودی زمین دقیقاً به مرکز فرماندهی زمین، یعنی آمریکا حمله می کنند و تنها منجی مردم از این نابودی در کل عالم؛ بن تن آمریکایی است. درواقع کلیه این ابرقهرمانان همه آمریکایی بوده و وظیفه حفظ و حراست

دنیا بدست آمریکا و ابر قهرمانانش هست و تماماً دشمنان انسان ها و زمین غیر آمریکایی بوده و به آمریکا حمله می کنند و این ابرقهرمانان آمریکا هستند که حفظ و حراست امنیت انسان های زمین را برعهده دارند (همان منبع).

دو روان شناس به نام های "فردریش" و "استین" پژوهشی مبتنی بر آزمایش بر روی کودکان پیش دبستانی انجام دادند، بدین شکل که گروه مورد آزمایش، سه بار در هفته و هر بار به مدت بیست دقیقه کارتون "سوپرمن و بتمن" را تماشا کردند. پس از چهار هفته، رفتارهای آن ها تحت کنترل قرار گرفت. نتیجه آن که کودکانی که این کارتون را تماشا کرده بودند، نافرمان تر و کم تحمل تر شده بودند. به شکل مشابه، "ستور" و "اسمیت" نیز در تحقیقاتشان به این نتیجه رسیده اند که روزانه ده دقیقه تماشای خشونت تلویزیونی تنها بعد از گذشت یازده روز موجب افزایش درگیری های فیزیکی کودک با همسن و سالان خود در مقایسه با کودکانی که برنامه های خشونت آمیز نگاه نمی کنند می شود. در نظر منتقدین غربی سوپرمن خیالی و همراه کننده است، او بچه ها و طرفدارانش را به دنیایی می برد که دست نیافتنی است و باعث می شود آن ها از دنیای واقعی و خصوصاً بچگی خارج شود. انیمیشن هایی مثل سوپرمن، جنگجویانه است فعالیت های غیرممکن او، بچه ها را متقاعد می کند که مثلاً می توانند با یک انگشت، سفینه را نگه دارند اما این ها واقعیت ندارد؛ بنابراین بچه ها ایمان و امیدشان را از دست می دهند (صادقی نیا، نبی اسدی، ۱۳۹۴).

دکتر "اریک سیگمن" در مقاله ای با عنوان "چگونه تماشای فیلم هایی مثل بتمن، کودکان را به سمت خشونت می برد" عنوان کرد: "صنعت سرگرمی ادعا می کند که نه فیلم و نه بازی های ویدئویی، نمی توانند همه مردم را به یک شکل تحت تاثیر قرار دهند اما طبق مطالعه ای که در نشریه نقشه برداری مغز انسان منتشر شده و چگونگی ارتباط نواحی مختلف مغز انسان با مسائل عاطفی و رفتارهای مناسب اجتماعی را بررسی می کند بیان شده است که مثلاً با هر بار بازی های ویدئویی، کودکان رفتارهای با خشونت بیشتر و عاطفه کمتر از خود نشان می دهد که همین امر مغز آن ها را به دادن پاسخ های مشابه در زندگی واقعی هدایت می کند. هرچقدر کودکان، سن کمتری داشته باشند، عملکرد و ساختار مغزشان می تواند راحت تر و دائمی تر تغییر کند. این کودکان بی عاطفه تر و خشن تر از دیگر همسن و سالان خود هستند. در واقع، مغز کودکان در حال شکل گیری است و این مهم است که ما کنترل و سانسور چیزی که آن ها تجربه می کنند را به دست بگیریم تا بهترین شرایط را برای پیشرفت آن ها فراهم کنیم" (صادقی نیا، نبی اسدی، ۱۳۹۴).

نظرات منتقدین غربی

وقتی ما کسی را به عنوان قهرمان می بینیم، او را تحسین می کنیم و می خواهیم مثل او باشیم و از او یاد می گیریم ولی امثال بتمن، کسانی هستند که ما نمی توانیم از آن ها تقلید کنیم چون دست نیافتنی هستند بنابراین، آن ها ایده آل هایی کاملاً همراه کننده هستند. ابرقهرمان ها ساختگی هستند، آن ها از کارکترهای خیالی ساخته شده اند اما بچه های کوچک باور می کنند که آن ها واقعی اند و به این تفکر همراه کننده هدایت می شوند که آن ها هم می توانند مثل این ابرقهرمان ها بجنگند، پرواز کنند و ... ؛ این ابرقهرمان ها، بت های همراه کننده ای هستند که باید به دلیل فریبکاری توقیف شوند. این قهرمان ها ذهن تماشاچیان را همراه می کنند، کودکان تلاش می کنند این تاکتیک ها را در مدرسه اجرا کنند و جراحت هایی جدی را که می توانند کشنده باشند به بار می آورند. آن ها واقعاً همراه کننده هستند زیرا آنچه که آن ها حقیقتاً انجام می دهند، کشتن و جنگیدن با دیگران برای کمک کردن به آن هایی که خودشان دوست دارند می باشد. این خوب نیست که بچه ها به آن ها

بال وپر می دهند و رفتارهای آن ها را دنبال می کنند. این قهرمانان، قانون را خودشان هر جور که دلشان بخواهد تعریف می کنند و می زنند و می کشند به جای که آن ها را نگه دارند تا پلیس برسد (بیریوکوف، ۱۳۷۲).

رئیس کنگره ی اجلاس بهداشت عمومی آمریکا می گوید: "نتیجه گیری جامعه ی بهداشت عمومی در بیش از سی سال پژوهش، نشان می دهد که مشاهده ی خشونت های سرگرم کننده، می تواند به افزایش نگرش ها ارزش ها و رفتارهای تهاجمی منجر شود." خبرهایی که بعضاً درباره حمله فردی با لباس مرد عنکبوتی و مردم در خبرگزاری ها منتشر می شود و یا کودکانی که به تبعیت از مرد عنکبوتی از ارتفاع یا فواصل دور پریده و به خود آسیب زده اند باعث افزایش نقدها و اعتراضات درباره خشونت ها و اغراق در جلوه های ویژه ی سری فیلم های مرد عنکبوتی شده است. پروفیسور ریچارد داوکینز می گوید: "در کتاب هری پاتر، تفکر علمی در تقابل با تفکر اسطوره قرار گرفته که تأثیرات مهلکی بر مخاطب خواهد گذاشت." دکتر "ملیسا بورکلی" به نشریه ی سایکولوجی تودی می گوید: "جادو در تمامی صفحات این داستان جاری است" وحشت و افسردگی کابوس های شبانه برای به خاطر دیدن صحنه های قتل و مرگ؛ فریب و سردرگمی برای وارد شدن در دنیایی کاملاً متفاوت و عجیب؛ اثرات غیراخلاقی برای رابطه عاشقانه و پنهان هری با خواهر دوستش و مفهوم خیانت و زیبا نشان دادن اغلب شرارت های تاریخ تحت لوای کلمه افسانه دلایلی هستند که مناسب نبودن هری پاتر برای کودکان در مقاله "سث بران" معرفی شده است.

به عقیده بسیاری از کارشناسان کودک و نوجوان، داستان های هری پاتر بسان یک بمب مخرب برای ذهن بچه ها به شمار می آید که آن ها را وادار می کند تا در مقابل دنیای سیاه و خیالی تصفیه شده در کتاب، به بخشی دیگری از القابات آن پناه برده و جادوگران خود را منجی خود بشمار آورند اما وقتی با فقدان آن ها در دنیای واقعی مواجه می شوند؛ به شدت دچار سرخوردگی و انفعال خواهند شد. برخی مؤسسات و سازمان های فرهنگی و اجتماعی در آمریکا و اروپا و حتی برخی طرفداران پروپاقرص هری پاتر در مقابل این پدیده موضع گرفته و ممنوع شدن تماشای برخی از این فیلم ها را برای بچه های زیر سیزده سال خصوصاً بدون حضور والدین خواستار شدند. سازمان های فرهنگی بین المللی پدیده هری پاتر را صرف نظر از سرگرمی سازی؛ موجب رواج خرافات و اوهام و دور شدن از واقعیات و حقایق اجتماع می دانند که به اشاعه ی بی مسئولیتی در میان نوجوانان و جوانان خواهد انجامید. "میکنورس" روحانی کلیسای "فرنک رود بابتیست" در مقاله خود تحت عنوان "قهرمانان خطرناک کودکان ما" آورده است: "نمی خواهم کودکان شما را بترسانم اما آنچه درباره ی کاراکتر هری پاتر رخ داده، یک تراژدی است، یک خشونت است هیچ چیز جز جادو نیست. جادو همیشه در برابر خدا ایستاده است. رسانه ها، زمین بازی شیطان شده اند و در استخدام او قرار گرفته اند. این رسانه ها؛ تصویری تحریف شده از جادو ارائه می دهند و باعث می شوند خوب به نظر برسد. جادوگران خوب را برای مبارزه با جادوگران بد معرفی می کنند گرچه هر دوی آن ها در کنار شیطان هستند."

"دن براون" نویسنده ی کتاب رمز داوینچی نیز به این موضوع که پروژه ی هری پاتر، یکی از برنامه های سازمان شبه فراماسونی "دیر صهیون" و نمونه ای از تلاش های خانقاه صهیون و فرقه ی کابالا (جادوگری) برای زنده نگه داشتن آرمان صهیونیست در اذهان مردم است، پرداخته است. در آمریکا درخواست های زیادی برای ممنوعیت کتاب هری پاتر در مدارس شده است که از دلایل آن ترویج مذهب "wicca" یا همان "جادو ورزی" است که با قانون مدارس، در تضاد است. در داستان های هری پاتر تلاش شده است تا گفته شود که انسان به تنهایی و بدون کمک گرفتن از خالق هستی، توانایی تصرف

در تمام امور را دارد. بر این اساس کارشناسان معتقدند که ممکن است بسیاری از نوجوانان، جادوی نمایش داده شده در این مجموعه را دقیقاً در مقابل اراده خداوند تصور کند که همان سکولاریسم تصویری است! (بیریوکوف، ۱۳۷۲). در مجموع با نگاه کردن به این انیمیشن های پرهیجان و تخیلی احساسات کودکان به شدت برانگیخته می شوند در صورتی که "انگیزه اش و تخیل بدون تفکر فاقد ارزش است"، کودکان با نابودی دیگران به هیجان می آیند و این به معنی تخیل و تقویت آن نیست. در این انیمیشن وقتی کودک می بیند آن چه را که باید با زحمت کسب شود قهرمان داستان تنها با فشار دادن یک دکمه انجام می دهد، در خیال او این دکمه طراحی می شود در حالی که در واقعیت این دکمه وجود ندارد؛ این ویژگی که در این کارتون بسیار زیاد است موجب می شود او در سنین جوانی فرد فعالی نباشد. این که غیر از بن تن همه ضعیف هستند موجب عدم خودباوری کودک می شود در کارتون های جدید و به ویژه بن تن متأسفانه خشونت بالایی وجود دارد و این برای کودک خطرناک است دکتر محسن ایمانی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در نقد این انیمیشن بیان می کند: "ما باید در ابتدا ببینیم این انیمیشن ها چه پیامی برای کودک ما به دنبال دارند بسیاری از تخیلات انسان سازنده هستند اما کارشناسان بر این عقیده اند که تخیلی خوب است که از دل آن یک تفکر سازنده بیرون بیاید، برای کودکان، تفکرات؛ حالات عینی پیدا می کند. به عنوان مثال، اگر قصه ای برای کودک گفته می شود، تصاویر آن در ذهن کودک نقش می بندد.

چرا پسر بچه های این قدر دوست دارند غول باشند، خشن باشند، وحشی باشند، بکشند، خون بریزند، پرواز کنند، تار بتند، عنکبوت باشند، اما نمی دانند برای چه آرمانی می خواهد این کارها را بکنند. این روزها اغلب پسران به دنبال داشتن ساعت بن تن، لباس مرد عنکبوتی و از این قبیل هستند طرفداران این ابرقهرمانان خیالی از این موضوع سخن می گویند که فقط قهرمان های آن ها می توانند با آدم های بد بجنگند چون قدرتی دارند که هیچ کس دیگر ندارد یا چیز جادویی دارند که هر چه بخواهند به آن ها می دهد. آن ها از بزرگی آن ابر قهرمان ها حرف می زنند و می گویند که دوست دارند همانند آنها باشند. تفکر غرب که بر پایه های ایدئولوژی لیبرالیسم شکل گرفته و مفاهیم و دستورات آن براساس لذت طلبی صرفاً مادی انسان است؛ سبک زندگی براساس لذت طلبی را نیز بنیان نهاده است. حال، نوعی از زندگی را تصور کنید که با ادعای داشتن اوج تمدن و پیشرفت، انسان هایش با این اندیشه زندگی می کنند که باید هر چه بیشتر و بیشتر از دنیا لذت ببرند و هر که بیشتر لذت ببرد، پیروز است و هر که کمتر لذت ببرد باخته است. قهرمانان این تمدن، افرادی خواهند بود که توانستند لذت بیشتری از زندگی ببرند و بیشتر از دیگران خوش بگذرانند. شاهزاده ها، سرمایه دارها و صاحبان قدرت و ثروت بزرگترین قهرمانان این اندیشه هستند که می خواهند کنترل و مدیریت دیگران را نیز در دست بگیرند. درواقع، چنین تمدنی با چنین اندیشه ای از وجود قهرمانان واقعی و منجی مردم خالی خواهد بود. به عنوان مثال، اگر در لیست بلند بالای قهرمانان منجی بشر که از مشرق زمین برخاسته اند ببینیم متوجه می شویم که جای خالی چنین قهرمانی را در صفحات تاریخ تمدن با ابرقهرمانان خیالی می خواهند پر کنند تا وجود عینی و حقیقی نداشته باشند تا فرهنگ و اندیشه خالی از معنویت را زیبا و قابل قبول جلوه دهند. ابرقهرمانان غربی، عموماً یا فضایی هستند مانند سوپرمن یا با استفاده از ثروت و تکنولوژی فوق پیشرفته به توانایی های دست می یابند مانند بتمن و بن تن و یا بر اثر یک جهش تکاملی برگرفته از تفکر داروینیسم مانند اسپایدرمن به ابرقهرمان تبدیل می شوند و یا ذاتاً جادوگر هستند مانند هری پاتر؛ این ابرقهرمانان آمریکایی به دلیل توانایی های فوق بشری که دارند منجیان بشر هستند و می توانند انسان ها را نجات دهد این نکته قابل انکار نیست که جذابیت این انیمیشن ها به قدری بالاست که مخاطب خود را مجذوب و مسحور خود می کند، ظاهر جذاب، هیجان بالا، به کار بردن صحنه های جنسی، نمایش زنان به شکل نیمه برهنه و جذاب برای پسران، نمایش صحنه های خشونت، خلق دنیای هیپروتی و لذت بخش

همه و همه ازاری است برای جذب مخاطب به هر قیمتی حتی به قیمت بی حرمتی به زن و وسیله ی لذت و سرگرمی کردن او (بیروکوف، ۱۳۷۲).

بطور قطع نمی توان گفت تمام ابعاد این گونه انیمیشن ها، صددرصد غلط و مضر است. مسلماً طراحان این برنامه ها رنگ و بویی جذاب و مفید به کارشان می دهند و سعی می کنند پیام های اخلاقی و عامه پسندی چون شجاعت، کمک به مردم، نوع دوستی و از این قبیل را به داستان بیفزایند تا مخاطبان بیشتری را با خود همراه کرده و آن ها را به شخصیت های داستان علاقمند کنند، اما آیا به راستی آن ها می توانند الگوی مناسبی برای فرزندان ما باشند؟ آیا ما الگو نداریم؟ یا نتوانسته ایم الگوهای بزرگ ما را به نسل فرزندانمان بشناسانیم.

در دنیایی که معلم بسیاری از کودکان ما نه پدر و مادرها و نه معلم ها بلکه رسانه ها هستند چه می گذرد؟ ابرقهرمان های خیالی و غیر واقعی که آمریکایی هستند در زندگی کودکان ما چه می کنند؟ قرار است چه چیزی را به کودکانمان بیاموزند؟ کودکان ما از هم ذات پنداری با این ابرقهرمان ها چه احساسی خواهند داشت و چه کارهایی انجام می دهند؟ آیا واقعاً دیدن این همه صحنه های جنگ و خشونت برای فرزندان ما لازم است؟ تحصیل علم و اخلاق کجای زندگی این ابرقهرمان ها جای دارد؟ به پسرانی که دختران نیمه برهنه را در این انیمیشن ها می بینند، چه احساسی دست خواهد داد؟ چه تعریفی از جایگاه زن و ارتباط با او در ذهن آن ها شکل خواهد گرفت؟ دیدن صحنه های جنسی این انیمیشن ها چه کمکی به تامین آرامش زندگی فرزندانمان می کند؟ آیا تابه حال از اثراتی که این فیلم ها روی روح و روان کودکان و نوجوانان ما می گذرد نظرسنجی شده است؟ آیا فرزندان ما همان قدر که قهرمان های خیالی آمریکائی را می شناسند قهرمان ملی کشور خود را نیز می شناسند؟ چرا شخصیت های آمریکایی روی لوازم التحریر اسباب بازیها و بسیاری از ملزومات فرزندان ما زیاد است؟ چرا فیلم ها و انیمیشن های دوبله شده در سی دی فروشی ها و مغازه های فروش لوازم التحریر و از همه مهم تر در لپ تاپ ها و لوازم سرگرمی و تفریحی به راحتی قابل دسترسی است؟ و از همه مهم تر فایده آنها برای کودکان ما چیست؟ آیا جذابیت و فروش بالا معیارهای ارزش گذاری یک اثر محسوب می شود؟ آیا هر چیز لذت بخشی، بارزش است؟ بهره برداری های اقتصادی عده ای سود جو اهمیت بیشتری دارد یا تربیت فرزندان ما؟ کودکانی که باید در تحصیل و تربیت آن ها جدیت به خرج بدهیم تا در آینده برای خود و سایر افراد جامعه فردی دلسوز، مفید و توانمند باشند جزء سرگرم شدن به مسائل واهی و خیالی که آن ها را به سمت خشونت می برد آیا چیز دیگری از این فیلم ها عایدشان می شود؟ (شرام و همکاران، ۱۳۷۷).

نتیجه گیری

ابرقهرمانان مارول از سوپرمن، باتمن، هالک، فلش، کاپیتان آمریکا، آکومن، زن شگفت انگیز، مرد آهنین و با حضور در سری انیمیشن های مختلف از جمله سریال انتقام جویان جز ترویج خشونت و انتقام و قهرمان پروری و خیال پردازی و اوهام چیز دیگر بر اذهان کودکان بر جای نمی گذارند، امروزه فیلم های سینمایی زیادی تولید می شود که حتی ذهن بزرگسالان را درگیر مسائل پوچ و بی ارزش می کند و جز گرفتن وقت آن ها و تحت تاثیر قرار دادن ذهن و روح آن ها با اشکال مختلف خشونت و ترس و بی بندوباری هیچ فایده ای ندارد، سازندگان این گونه فیلم ها برای کسب درآمد با ساخت فیلم هایی که هیچ گونه محتوای آموزنده و اخلاقی ندارد، صرفاً تحت عنوان فیلم های اکشن یا جنایی و یا ترسناک؛ دنیایی از ترس و خشونت و بی بندوباری و توهم و خیالات را به بینندگان تحمیل می کنند و روح و روان آنان را از حالت نرمال خارج کرده و

بهداشت روانی و نظم و اخلاقیات جامعه را برهم می‌زنند، آنان برای کسب مادیات؛ دنیایی جدید پر از اوهام و خیال و ترس و خشونت را برای بینندگان رقم می‌زنند.

فیلم‌هایی که عموماً صحنه‌هایی از جرم، خشونت، خیانت، بی‌بندوباری و بی‌نظمی و بی‌قانونی را تحت عنوان سرگرمی ترویج نموده و بنیان خانواده و بهداشت روانی بیننده را دچار تزلزل و مخاطره می‌نمایند، به راستی بشر به دنبال چیست؟ به جای آنکه به حفظ و حراست کره زمین و محیط‌زیست و ایجاد آسایش در زندگی و رفاه عمومی بپردازد، روزه‌روز کره زمین را آلوده و به مشکلات زیست محیطی می‌افزاید. واقعاً چه لزومی دارد که هر کشوری تمام همت و تلاش خود را به ساخت تجهیزات پیشرفته نظامی و جنگ‌افزارها و موشک‌ها و هواپیماها و ناوها و زیردریایی‌ها و انواع بمب‌های پیشرفته بنماید و آلودگی‌های زیست‌محیطی، فقر، بیکاری، بیماری، اعتیاد، بسیاری از کشورها را درگیر خود نموده و انسان‌های کره زمین به جای هم فکری و تعامل برای حفظ محیط‌زیست و ایجاد رفاه عمومی برای بشریت؛ با ایجاد ارتش‌ها و تربیت نیروهای جنگی و ساخت جنگ‌افزارها که هیچ ضرورتی برای بقای بشر ندارد، فقط به نزاع و درگیری با یکدیگر می‌پردازند و با ساخت فیلم‌ها و انیمیشن‌ها به قصد درآمد زایی و شتشوی مغزی بینندگان؛ زمینه عدم ناامنی را با ترویج خشونت و بی‌بندوباری؛ اضمحلال بنیاد خانواده و اصول اخلاقی و نظم عمومی جامعه را فراهم می‌آورند. دنیایی که به جای پرداختن به ارزش‌های انسانی صرفاً به خشونت و بی‌قانونی دامن زده و تمام فکر و افکارگردانندگان آن به مادیات و بی‌بندوباری و تمایلات حیوانی معطوف شده‌است دنیایی که انسان‌هایش با این اندیشه زندگی می‌کنند که باید هرچه بیشتر از دنیا لذت ببرند و هرکه بیشتر لذت ببرد، پیروز است و هرکه کمتر لذت ببرد باخته‌است. قهرمانان این تمدن، افرادی خواهند بود که توانستند لذت بیشتری از زندگی ببرند و بیشتر از دیگران خوش بگذرانند. شاهزاده‌ها، سرمایه‌دارها و صاحبان قدرت و ثروت، بزرگترین قهرمانان این اندیشه هستند که می‌خواهند کنترل و مدیریت دیگران را نیز در دست بگیرند و با ساخت سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای مخرب و پیشرفته و تجاوز به حقوق سایر انسان‌ها و پایمال کردن حق حیات و آسایش آنها، دستاوردی جز تخریب کره زمین و زندگی مملو از ناامنی بیماری و خشونت چیزی دیگری برای بشریت ندارند.

چه کارتونی برای بچه‌ها مناسب است؟

دنیای بچه‌ها رنگی‌ست و علاقه زیادی به رنگ و حرکت دارند. به همین دلیل آنها جذب تصاویر متحرک یا همان کارتون‌ها می‌شوند. اما می‌دانیم که همه کارتون‌ها برای بچه‌ها مناسب نیست. یک کارتون مناسب کودک چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱. هر کارتونی مناسب سن بچه‌ها نیست: بچه‌ها نباید کارتون‌هایی با محتوای بزرگسالان را ببینند و گرنه خطر بلوغ زودرس در کمین آنها است. بسیاری از مطالعات نشان داده بچه‌هایی که کارتون‌هایی مناسب سن خودشان نمی‌بینند، زودتر از بقیه با مفاهیمی مثل رابطه جنسی و عاطفی آشنا می‌شوند.

۲. کارتون مناسب بچه‌ها باید ریتم کندی داشته باشد: کارتون‌هایی هیجانی یا با ریتم تند، متناسب با ساختار مغزی بچه‌ها نیستند. این نوع کارتون‌ها بر روی تمرکز کودکان و شکل‌گیری ارتباطات مغزی آنها تاثیر منفی می‌گذارد. معمولاً در چنین

موارد، بچه‌ها تشویق به هیجان کاذب، خشونت و تماشای قسمت‌های بعدی و بعدی کارتون‌ها بدون توجه به گذر زمان می‌شوند.

۳. به رنگ‌های استفاده شده در کارتون دقت کنید: درست است که بچه‌ها رنگ‌های شاد را دوست دارند اما کارتون‌هایی با رنگ‌های خیلی تند هم به چشم و مغز آنها آسیب می‌زند. سلول‌های چشم بچه‌ها بسیار حساس است و وقتی بیش از حد معمول در معرض رنگ‌های تند و متحرک قرار بگیرند، آسیب می‌بینند.

۴. اجازه ندهید کودک تبلیغ ببیند: زمان تبلیغات، صدا را قطع کنید. تبلیغات باعث مصرف‌گرا شدن بچه‌ها می‌شود و منابع مالی خانواده را نابود می‌کند. شاید باورتان نشود اما امروزه یک اصل تبلیغاتی غیراخلاقی در شرکت‌های تبلیغاتی وجود دارد که بچه‌ها را هدف تبلیغات خود قرار می‌دهند تا روی نحوه مصرف خانواده تاثیر بیشتری بگذارند. آنها معتقدند بچه‌ها کنترل خانواده را در دست دارند و هیچ کس به خواسته آنها نه نمی‌گوید.

۵. دیدن کارتون‌های خشونت‌آمیز ممنوع: محتوای خشن و زد و خورد حتی اگر در قالب بچگانه باشد، مناسب بچه‌ها نیست. بچه‌ای که مدام خشونت می‌بیند، حتی در قالب کارتون، آن را باور می‌کند و خودش هم دست به خشونت می‌زند؛ چه خشونت کلامی و چه خشونت فیزیکی. سال‌ها قبل یک بچه آمریکایی در تقلید از تام و جری که با چتر معمولی پایین می‌پریدند و سالم می‌مانند خود را از ارتفاع بالای ساختمان پرتاب کرد. گاهی کودکان نمی‌توانند فرق بین واقعیت و تخیل را تشخیص دهند. بنابراین تاثیر رسانه در باورپذیری چنین موضوعاتی را نادیده نگیرید (ده‌صوفیانی، ۱۳۹۴).

راهکارهایی برای مقابله با تاثیرات منفی انیمیشن بر روی کودکان

حالا که به همه نقاط قوت و ضعف تماشای انیمیشن و تاثیر کارتون بر کودکان اشاره شد به ارائه راهکارهایی به والدین برای مقابله با اثرات منفی کارتون بر کودکان می‌پردازیم:

۱. همراه با فرزندان کارتون ببینید: تماشای کارتون همراه با فرزندان به شما کمک می‌کند چیزهایی را که می‌بیند رصد کنید و واکنش او را نسبت به داستان و شخصیت‌ها رصد کنید. همچنین باعث می‌شود پیوند عمیق‌تری بین شما و کودک برقرار شود. شناختن شخصیت‌های کارتونی مورد علاقه کودک و خندیدن در کنار کودک، رابطه شما و فرزندان را بهتر می‌کند و باعث می‌شود شناخت بهتری از دنیای ذهنی کودک به دست آورید.

۲. زمان تماشای تلویزیون را محدود کنید: تماشای کارتون بیش از ۲ ساعت در روز اصلاً خوب نیست. بهتر است این مدت هم در طول روز تقسیم شود؛ مثلاً دو تا یک ساعت یا حتی ۴ تا نیم ساعت. تا جایی که ممکن است زمان تماشای تلویزیون یا کارتون را کاهش دهید. این کار به خصوص برای بچه‌های کوچک‌تر ضروری است. فرزندان را تشویق کنید که بیرون بروند و بازی کنند نه اینکه یک جا بنشینند و تلویزیون ببینند. ضمناً کودکان زیر ۲ سال اصلاً نباید تلویزیون ببینند. نکته مهم:

به هیچ وقت تلویزیون را برای سرگرم کردن بچه ها روشن نکنید. شما انتخاب کردید که پدر یا مادر باشید پس سعی کنید برای سرگرم کردن بچه ها از راه هایی به جز تلویزیون استفاده کنید.

۳. کارتون های آموزشی و مناسب را انتخاب کنید: کارتون های آموزشی و مناسب سن کودک را برایش پخش کنید تا مطمئن شوید موارد نامناسب را نشان نمی دهند یا کودک را به رفتارهای منفی تشویق نمی کنند.

۴. تفاوت بین کارتون و واقعیت را برای فرزندان توضیح دهید: در مورد محتوای کارتون ها با فرزندان صحبت کنید، به آنها بگویید چه چیزهایی مضرند، چه چیزهایی قابل قبول اند و چه چیزهایی واقعی نیستند. مثلاً می توانید برای فرزندان توضیح دهید که گرچه شخصیت کارتون بعد از یک دعوی خشن حتی یک خراش هم برداشت، اما در دنیای واقعی جور دیگری است.

۵. از کتاب ها و قصه های صوتی استفاده کنید: می توانید برای قصه گویی از کتاب ها و قصه های صوتی استفاده کنید. این کار علاوه بر این که کودک را از آثار مخرب کارتون دور نگه می دارد، باعث می شود مهارت شنیداری او تقویت شود.

۶. اجازه ندهید کودک جلوی تلویزیون غذا بخورد: تلویزیون حواس بچه ها را پرت می کند و معمولاً بیش از چیزی که بدنشان نیاز دارد غذا می خورند، همچنین تمایلشان به خوردن غذاهای ناسالم مثل هله هوله بیشتر می شود. سعی کنید وعده های غذایی را در کنار خانواده صرف کنید تا کودک هم با اشتیاق و تمرکز بیشتری غذا بخورد، غذاهای سالم تری مصرف کند و وقتی که احساس سیری کرد دیگر غذا نخورد.

۷. وقتی کارهای خانه را انجام می دهید ممکن است وسوسه شوید تلویزیون را روشن کنید تا بچه ها سرگرم شوند. تلویزیون می تواند خیال پدر و مادرها را راحت کند که بچه ها مشغول اند، شلوغ نمی کنند و خانه را به هم نمی ریزند اما تماشای بیش از حد تلویزیون در دوران کودکی هم مشکل زاست.

۸. وضع قوانینی برای تلویزیون دیدن کودکان: در کنار سایر قوانین خانه، هم برای شما به عنوان والد و هم برای بچه ها مفید و البته لازم است. گرچه بچه ها ترجیح می دهند هیچ محدودیتی برای تماشای تلویزیون نداشته باشند، اما وضع قوانین برای تماشای تلویزیون باعث می شود که بچه ها فرصتی برای بازی داشته باشند و یاد بگیرند چطور خودشان را سرگرم کنند.

۹. زمان تماشای تلویزیون برای کودک را محدود کنید: آکادمی سلامت کودکان آمریکا توصیه می کند تماشای تلویزیون برای کودکان بالای دو سال، به روزی یک تا دو ساعت محدود شود. این محدودیت می تواند تعیین ساعات مشخصی برای

تماشای تلویزیون در روزهای هفته باشد. همچنین می‌توانید، تعدادی از برنامه‌های تلویزیونی را که کودک می‌تواند ببیند، تعیین کنید.

۱۰. تعیین قوانینی درباره اینکه کودک چه چیزی را می‌تواند تماشا کند: واضح است که شما به کودکان اجازه نمی‌دهید هر چیزی را که تلویزیون پخش می‌کند، تماشا کند. ولی وقتی هم که مشغول انجام کاری هستید نمی‌توانید در لحظه تصمیم‌گیری کنید. پیشنهاد ما این است که از قبل یک برنامه تلویزیونی یا کارتوی مناسب را انتخاب کنید تا با این مشکل مواجه نشوید.

۱۱. مشخص کنید چه کسی می‌تواند برنامه تلویزیونی را انتخاب کند: اگر بیشتر از یک فرزند داشته باشید، مطمئناً نمی‌خواهید همه روز را صرف دعوای و بگومگوهای بچه‌ها سر انتخاب برنامه تلویزیونی کنید. پس این یک قانون مهم است. بچه‌ها معمولاً بین خودشان قوانینی وضع می‌کنند اما همیشه عادلانه تقسیم‌بندی نمی‌کنند. حتی اگر می‌خواهید بچه‌ها را تشویق کنید که مسائل بین خودشان را حل کنند، باید قانونی وضع کرده باشید تا سهم عادلانه‌ای به هر کودک بدهد.

۱۲. جایگزین‌هایی برای زمان تماشای تلویزیون کودک داشته باشید: درست است که بیشتر بچه‌ها تماشای تلویزیون را دوست دارند، اما فقط به این دلیل نیست که تلویزیون می‌بینند. خیلی از بچه‌ها تلویزیون می‌بینند چون حوصله‌شان سررفته و کار دیگری برای انجام دادن ندارند. تلویزیون باعث می‌شود کودکان یادشان برود به جای تماشای تلویزیون چه کارهای دیگری می‌توانستند انجام دهند. کارهای خلاقانه و جذاب برنامه‌ریزی کنید تا مدت زمان تماشای تلویزیون کودک کمتر شود.

۱۳. شیوه‌ای برای عملیاتی شدن قوانین تلویزیون دیدن کودکان در نظر بگیرید: اگر دائماً در حال چک کردن این مساله هستید که بچه‌ها قوانین تلویزیون را رعایت می‌کنند یا نه، یک جای کار ایراد دارد. خیلی واضح و مشخص برای بچه‌ها شرح دهید که اگر برنامه نامناسبی ببینند یا بیش از زمان تعیین شده پای تلویزیون باشند چه پیامدهایی متوجه کارشان است.

۱۴. تاکید کنید که تماشای تلویزیون یک امتیاز است و اگر از قوانین آن تخطی کنند، این امتیاز از آن‌ها گرفته می‌شود. با این وجود به بچه‌ها گوشزد کنید که تماشای تلویزیون فقط یکی از کارهایی است که می‌توانند در طول روز انجام دهند نه چیزی که تمام روز مشغولشان کند.

۱۵. زمانی را برای تماشای تلویزیون کنار کودک تان اختصاص دهید: وقتی همراه با فرزندتان به تماشای تلویزیون می‌نشینید، فرصت دارید تا با کودک در مورد برنامه‌ها و آگهی‌های بازرگانی صحبت کنید، نظرش را در مورد شخصیت‌های

مورد علاقه اش بپرسید و برایش توضیح دهید لزوما هر چه در صفحه تلویزیون می بیند واقعی نیست و باید قبل از هر تصمیمی خوب فکر کند.

۱۶. برنامه های تلویزیونی مناسب را انتخاب کنید: اولین قدم مشخص کردن این است که چه برنامه هایی برای کودکان مناسب هستند. شما باید برای درک محتوا و پیغامی که نمایش به حضار ارسال می کند، تحقیقاتی انجام دهید. یک برنامه تلویزیونی فقط به این خاطر که برای کودکان است را انتخاب نکنید. قبل از اینکه تصمیم بگیرید که چه چیزی را برای تماشای کودکان کنید، عوامل زیر را مد نظر داشته باشید:

محتوای برنامه مورد نظر باید برای سن کودک مناسب باشد. یک برنامه با مدت زمان کوتاه تر را انتخاب کنید. بچه ها هر چه بیشتر تماشا کنند، احتمال معتاد شدن آن ها به تلویزیون بیشتر می شود. لحن و سرعت برنامه را بررسی کنید چون نمی خواهید که کودکان یک برنامه پر انرژی را قبل از رفتن به خواب تماشا کند. اجازه ندهید آن ها تبلیغات را تماشا کنند.

کودکان ساده لوح هستند و آگهی های بازرگانی می توانند آنها را برای فروش محصولات خود فریب دهند. آنها را تشویق کنید تا برنامه های آموزشی را همراه شما تماشا کنند.

۱۷. خاموش کردن تلویزیون در هنگام صرف غذا: به بچه های خود اجازه ندهید در حالی که غذا می خورند، تلویزیون تماشا کنند. اطمینان حاصل کنید که در صورت امکان ناهار و شام را در کنار هم بدون تماشای تلویزیون، صرف کنید.

۱۸. در اتاق خواب تلویزیون نگذارید: وجود تلویزیون در اتاق خواب کودکان ایده بدی می باشد. زیرا با تماشای بیش از حد به صفحه نمایش تلویزیون باعث ایجاد عادت های بدی در آنها می شود.

۱۹. تلویزیون پرستار کودک نیست: والدین معمولی برای انجام کارهای خود با سرگرم نگه داشتن کودکان به وسیله تلویزیون آنها، موجب آن می شود آنها با محتواهای نامناسب روبرو شوند. پس با نظارت مناسب و وقت گذاشتن برای آنها از تماشای چنین محتواهایی توسط کودکان جلوگیری کنید.

۲۰. روشن بودن بیهوده تلویزیون: زمانی که در آشپزخانه هستید یا مشغول کار دیگری هستید و تلویزیون را بدون دلیل روشن می گذارید، باعث جلب توجه کودک به تلویزیون می شود. پس تلویزیون را تنها برای تماشا روشن کنید.

۲۱. ایجاد قوانین منظمی برای تماشای تلویزیون در طول هفته: زمان تماشای تلویزیون توسط کودکان را برای روزهای آخر هفته و تعطیل معین کنید و به آنها پایبند باشید. این کار مانع از تماشای بیش از اندازه تلویزیون در هر روز می شود.

۲۲. یک فعالیت خانوادگی ایجاد کنید: سعی کنید به جای استفاده از تلویزیون برای گذراندن زمان، به ایجاد فعالیت های شاداب و فکری خانوادگی میان خود و کودکان بپردازید و آنها را به چالش بکشید تا زندگی روزمره کودک را از یک نواختی خارج کنید.

۲۳. تشویق کودکان به انجام فعالیت های بدنی: کار دیگری که می توانید انجام دهید، این است که کودکان به بیرون رفتن و بازی کردن بصورت جمعی با دوستان خودش تشویق کنید. این کار موجب توجه کمتر کودک به دنیای دیجیتال می شود، اما اگر کودکان شما مقاومت می کنند، این موارد را امتحان کنید:

- موجب آشنایی کودکان خود با کودکان همسایه ها برای بازی و تفریح شوید البته به شرطی که از صلاحیت و خصوصیات مناسبی برخوردار باشند.

- در برخی از بازی های فضای باز و دسته جمعی با کودکان خود را همراهی کنید.

- کودکان را تشویق کنید که در بازی ها و ورزش ها در مدرسه شرکت کنند.

- به کودکان در صورت تماشا نکردن بی رویه تلویزیون پاداش بدهید.

مراجع

۱. باقری نژاد، زهره، ۱۳۹۱، آثار تربیتی انیمیشن های غربی بر تربیت کودکان، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، زمستان ۱۳۹۱، پیش شماره ۲
۲. بیروکوف، نیکالای سمیونوویچ. ۱۳۷۲، تلویزیون و دکترین های آن در غرب، مترجم: محمد حفاظی، انتشارات: Ministry Of Culture And Islamic Guidance Directorate، چاپ اول
۳. ده صوفیانی، اعظم. ۱۳۹۴، کودک، انیمیشن و تلویزیون، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول
۴. سخن سنج، سیدهاشم. سپیده دم، احسان. نوشادی، محمد. شهری، خلیل، ۱۳۹۴، اثرات رسانه بر کودکان با تاکید بر تلویزیون، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد
۵. صادقی نیا، سارا. نبی اسدی، مجید، ۱۳۹۴، بررسی میزان تاثیر کارتون ها بر الگوهای رفتاری کودکان، اولین کنفرانس بین المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری، شیراز
۶. لایل، جک. پارکر، ادوین بی. شرام، ویلبر. ۱۳۷۷، تلویزیون در زندگی کودکان ما، مترجم: محمود حقیقت کاشانی، انتشارات: سازمان صدا و سیما، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای
۷. مدیحی، زهره. نیکرهی، مجتبی. ۱۳۹۷، تاثیر انیمیشن های تولید غرب بر باور کودکان و نوجوانان، انتشارات گنجیران، چاپ اول